

متن پرسش

سلام: استاد بنده سر نماز بودم و رکعت دوم نماز در هنگام خواندن سوره ناگهان تصویر ذهنی ای که پارسال به چشمم خورده بود (متاسفانه) برایم دوره شد. یعنی تصویری تقریباً بد که یکسال پیش دیده بودم و پس از آن سعی داشتم یادم نیاید را سر نماز دیدم. حتی این تصویر از یادم رفته بود! سر نماز که آمد تازه یادم افتاد. این علتش چیست که سر نماز می آید؟ این نشانه بدی است یا خوب؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در کتاب «چگونگی فعلیت یافتن باورهای دینی، ص: ۱۱۰» در این مورد این طور عرض شده است: گفت:

گل گرفته پای او را می کشد

آب گل خواهد که در دریا رود

جذب تو نُقل و شراب ناب را

چیست این از گل گرفتن آب را

حتماً ملاحظه فرموده اید که چگونه خیالات دنیایی در نماز به سراغ انسان می آید و مزاحم حضور قلب می شود، در حالی که در امور معمولی این خیالات ظاهر نمی شوند. چون در نماز بنا دارید از ساحت عالم ماده و دنیای کثرات به ساحت عالم غیب و معنا سیر کنید. به عبارت دیگر می خواهید ساحت خود را تغییر دهید، در اینجاست که موانع ظاهر می شوند. تا وقتی نمی خواستیم تغییر ساحت دهیم، در همان ساحتی بودیم که خیالات و کثرات نیز در همان ساحت بودند، لذا مانعی محسوب نمی شدند که در مقابل ما صف بکشند. عالم کثرت وقتی مانع ما است که بخواهیم از کثرت به سوی وحدت سیر کنیم.

بر اساس نکته ی فوق تا کسی قلب خود را راه نیندازد نمی فهمد حب دنیا چه بلائی بر سر او آورده، در این حالت است که دستورات شریعت معنی حقیقی خود را پیدا می کند، چه دستوراتی که ما را از موانع نهی می کند و چه آن دستوراتی که ما را در ایجاد عوامل امر می نماید.

دستورالعملی جهت رهایی از وهم

امامان معصوم که صاحب اصلی دل اند و می دانند چگونه انسانها می توانند دل را در صحنه بیاورند و به تماشای عالم معنویت بنشینند، راه عبور از موانع را گوشزد می کنند، موانعی که پای جان ما را می گیرد و نمی گذارد افق خود را به سوی عالم تکوین خود سیر دهیم. راوی به حضرت امام صادق (ع) عرض می کند:

«جُعِلْتُ فِدَاكَ، الرَّجُلُ مِنْ إِخْوَانِي يَبْلُغُنِي عَنْهُ الشَّيْءُ الَّذِي أَكْرَهُ لَهُ، فَأَسْأَلُهُ عَنْهُ فَيُنْكِرُ ذَلِكَ، وَ قَدْ أَخْبَرَنِي عَنْهُ قَوْمٌ ثِقَاتٌ، فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ! كَذَّبَ سَمْعَكَ وَ بَصَرَكَ عَنْ أَخِيكَ- فَإِنْ شَهِدَ عِنْدَكَ خَمْسُونَ قَسَامَةً وَ قَالَ لَكَ قَوْلًا فَصَدَّقْهُ وَ كَذَّبْهُمْ، وَ لَا تُذِيعَنَّ عَلَيْهِ شَيْئًا تَشِينُهُ بِهِ وَ تَهْدِمُ بِهِ مَرْوَتَهُ، فَتَكُونَ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»^[1]

قربانت گردم! از یکی از برادرانم خبر ارتکاب عمل بدی به من می رسد، از خودش می پرسم انکار می کند، با اینکه افراد موثقی آن را به من خبر دادند. راوی می گوید؛ حضرت به من فرمودند: ای محمد! گواهی گوش و چشمت را هم نسبت به برادرت دروغ شمار و اگر پنجاه عادل هم گواهی دهند و خودش بر خلاف آنها گفت؛ او را باور دار و همه را تکذیب کن. و چیزی در باره او فاش مکن که زشتش کنی و آبرویش را ببری و از آنان باشی که خدای عز و جل در باره شان فرموده: «هرکه دوست دارد زشتی درباره مؤمنان فاش شود برای او در دنیا و آخرت عذابی دردناک است».

انسان با رعایت دستورالعمل فوق از هلاکتِ دنبال کردن عیوب مؤمنین رها می شود و راه ارتباط با عالم ملکوت را بر خود می گشاید.

چنانچه ملاحظه می فرمائید حضرت می خواهند ذهن و فکر ما مشغول موضوعات و همی نشود تا نسبت به برادران ایمانی خود کدورت پیدا نکنیم وگرنه نمی توانیم از ملاقات آنها بهره ی لازم را ببریم و در نتیجه امکان سیر به سوی عالم معنا از ما گرفته می شود.

می فرمایند اگر خودش می گوید من چنین عمل زشتی را انجام ندادم ولی پنجاه نفر قسم می خورند که ما دیدیم او انجام داد، حرف برادر مؤمن خود را تصدیق کن و مواظب باش در باره ی او چیزی فاش نکنی که شخصیت او را زشت جلوه دهی و آبروی او را ببری وگرنه شامل کسانی مشوی که خداوند در موردشان فرمود در دنیا و آخرت برایشان عذابی دردناک است. موفق باشید

[1] (۱) - بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۵۵.